



The University of
Tehran Press

Journal of Foreign Language Research

Online ISSN: 2588-7521

Journal Homepage: <https://jflr.ut.ac.ir/>



A Study of the English Translation of Women-Related Statements in *Nahj al-balaghah*: With an Emphasis on Reproach

Leila Niknasab ¹✉ Ensiyeh Asgari ² Amireh Niknam Pirzadeh ³

1. Department of Humanities and Art, Faculty of Foreign Languages, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran. Email: l.niknasab@hmu.ac.ir
2. Department of Theology and Law, Faculty of Qu'ran and Hadith Studies, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran. Email: e.asgari@hmu.ac.ir
3. Department of Theology and Law, Faculty of Qu'ran and Hadith Studies, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran. Email: madin114114@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 28 September 2025
Received in revised form: 22
February 2026
Accepted: 28 February 2026
Available online: 8 April 2026

Keywords:

Nahj al-balagha, Euphemism,
Reproachful Expressions,
Translation Strategies

ABSTRACT

Objective: In *Nahj al-balaghah*, we sometimes encounter expressions that are considered reproachful or may appear reproachful on the surface, but based on existing commentaries and interpretations, other implications may be embedded within them, or they may serve a function different from what might initially come to mind. This research, conducted using a qualitative-descriptive method from the perspective of translation studies, seeks to examine the strategies adopted by two English translators for reproachful expressions. **Method:** The theoretical framework is that of Warren, concerning the translation of "euphemistic" language. To this end, the reproachful figurative expressions concerning women in *Nahj al-balaghah* were extracted and their two English translations were analyzed. **Results:** The results show that, overall, these two translations employed three methods: direct translation, modification, and explanatory translation. Consequently, the literal translation strategy was the most frequent. This was followed by particularization, extension of meaning, and reversal, which are among euphemistic techniques, as the next most frequent strategies. The remaining strategies did not have a noteworthy frequency. **Conclusion:** The results indicate that in some cases, direct translation may lead to misunderstanding of the intended concepts, but with regard to the modification and explanatory strategies—which rank next in frequency—due to the use of euphemistic techniques such as particularization, the intended meaning was likely conveyed more effectively.

Cite this article: Niknasab, L. , Asgari, E. and Niknam Pirzadeh, A. (2026). A Study of English Translations of Women-Related Passages in Nahj al-Balagha: Emphasis on Reproachful Expressions. *Journal of Foreign Language Research*, 16(1), 87-107 [https://doi.org/ 10.22059/jflr.2026.403978.1255](https://doi.org/10.22059/jflr.2026.403978.1255)



© Author(s) retain the copyright.

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: [https://doi.org/ 10.22059/jflr.2026.403978.1255](https://doi.org/10.22059/jflr.2026.403978.1255)



پژوهش‌های زبانشناختی در زبانهای خارجی

شاپا الکترونیک: ۲۵۸۸-۷۵۲۱

Journal Homepage: <https://jflr.ut.ac.ir/>



انتشارات دانشگاه تهران

بررسی ترجمه انگلیسی گزاره‌های ناظر به زنان در نهج البلاغه با محوریت مذمت

لیلا نیک نسب^۱، انسیه عسگری^۲، امیره نیکنام پیرزاده^۳

۱. گروه زبانهای خارجی، دانشکده علوم انسانی و هنر، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران. رایانامه: l.niknasab@hmu.ac.ir

۲. گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران. رایانامه: e.asgari@hmu.ac.ir

۳. گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران. رایانامه: madin14114@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف: در نهج البلاغه گاه با عباراتی روبه‌رو می‌شویم که نکوهش به شمار می‌روند و یا ممکن است ظاهری نکوهش‌آمیز داشته باشند اما با توجه به شرح و تفاسیر موجود، ممکن است اشاراتی دیگر در بطن آن نهفته یا کاربردی متفاوت از آنچه به ذهن می‌رسد، برای آن‌ها تعریف شود. این پژوهش که به شیوه کیفی-توصیفی و از دیدگاه مطالعات ترجمه انجام می‌شود، می‌کوشد راهکارهای اتخاذشده از سوی دو مترجم انگلیسی برای عبارات نکوهش‌آمیز را بررسی کند.

روش تحقیق: چهارچوب نظری مورد بحث مربوط به وارن می‌باشد که درخصوص ترجمه «به‌گویانه» یا «آمیخته با حسن تعبیر»^۱ ارائه داده است. بدین منظور، عبارات کنایی نکوهش‌آمیز نهج البلاغه در خصوص زنان استخراج و دو ترجمه انگلیسی آنها تحلیل گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که در مجموع، در این دو ترجمه از سه روش ترجمه مستقیم، تعدیلی و توضیحی استفاده شده و در نتیجه، راهکار ترجمه تحت‌اللفظی فراوانی بیشتری داشته است. بعد از آن راهکار تصریح، گسترش معنایی و رد خلف که از تکنیک‌های به‌گویانه هستند بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. بقیه راهکارها فراوانی درخور توجه نداشته‌اند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که در بعضی موارد، ممکن است ترجمه مستقیم باعث سوءبرداشت از مفاهیم موجود شود ولی درخصوص راهکار تعدیلی و توضیحی که در مرتبه بعدی فراوانی قرار دارند به‌دلیل استفاده از راهکارهای به‌گویانه، مانند تصریح، احتمالاً مفهوم مورد نظر بهتر منتقل می‌شود.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۹

کلیدواژه‌ها:

هج البلاغه، به‌گوی، عبارات نکوهش‌آمیز، راهکارهای ترجمه

استناد: نیک نسب، لیلا، عسگری، انسیه و نیکنام پیرزاده، امیره. (۱۴۰۵). بررسی ترجمه انگلیسی گزاره‌های ناظر به زنان در نهج البلاغه با محوریت مذمت.

پژوهش‌های زبانشناختی در زبانهای خارجی، ۱۶ (۱)، ۸۷-۱۰۷.

<https://10.22059/jflr.2026.403978.1255>



© نویسنده‌گان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

حسن تعبیر در اصطلاح، استفاده از کلمات ملایم، مؤدبانه و غیرمجاورهای به جای کلمات گستاخانه، صریح و غیرمؤدبانه است. این گونه کلمات، به خصوص در مورد مسائل ناراحت کننده، ترسناک یا کریه به جای واژه‌های اصلی به کار می‌رود (داد، ۲۰۰۱: ۱۱۵). در بسیاری از جوامع، برخی رفتارهای زبانی کلامی و غیرکلامی به عنوان «تابو»^۱ تلقی می‌شوند و استفاده از آن‌ها ممنوع و نامناسب محسوب می‌گردد. این موارد با اصطلاح «دشوازه» شناخته می‌شوند، و کاربران زبان برای ایجاد روابط کلامی هنجار ترجیح می‌دهند از واژه‌های جایگزین یا تکنیک‌های زبانی بهره بگیرند. هدف این راهکارها انتقال مفهوم مورد نظر بدون استفاده آشکار از واژه‌های ناخوشایند است. مجموع این تلاش‌ها که به نوعی پالایش زبانی محسوب می‌شوند، با واژه «حسن تعبیر» یا «به‌گویی» قابل توصیف هستند (حدادی و دیگران، ۲۰۲۱).

ترجمه عبارات نکوهش‌آمیز یک فرآیند زبانی ساده نیست، بلکه می‌توان آن را متأثر از ارزش‌های فرهنگی و ایدئولوژیک جامعه مقصد دانست. بدین ترتیب، استفاده از به‌گویی، ابزاری کلیدی در این فرآیند است که نشان‌دهنده تمایل مترجم برای به چالش کشیدن مخاطب یا تطبیق متن اصلی با مخاطبان معاصر و هنجارهای زبانی است.

آن و بریج^۲ (۱۹۹۱) تصریح می‌کنند که اگر در یک متن، عبارات با بار معنایی نامطلوب وجود داشته باشد، برای جلوگیری از تهدید وجهه اجتماعی گوینده و مخاطب و یا افراد دیگر در گفتگو بهتر است از عبارات با لایه معنایی مطبوع - حسن تعبیر - استفاده شود.

الغزی^۳ و همکاران (۲۰۲۳) این گونه استدلال می‌کنند که تفاوت‌های زبانی و فرهنگی میان زبان‌ها، فرآیند ترجمه مفاهیمی نظیر استعاره‌ها، اصطلاحات فرهنگی و عبارات مذهبی را به چالش می‌کشد. یکی از مشکلات عمده‌ای که مترجمان با آن مواجه‌اند، ترجمه متون مقدس است؛ زیرا این متون، هم‌زمان با محدودیت‌های زبانی و فرهنگی درگیرند. بسیاری از زبان‌ها دارای ویژگی مشترکی هستند که به آن‌ها اجازه می‌دهد به‌طور غیرمستقیم و با لحنی مؤدبانه به موضوعات حساس و تابو اشاره کنند. این ویژگی به‌خصوص در زمینه‌های فرهنگی اهمیت دارد. این پدیده زبانی می‌تواند چالشی جدی برای مترجمان در زبان‌های مختلف باشد، و زمانی که این مترجمان با متون مذهبی مانند قرآن و روایات سروکار دارند، این چالش‌ها به‌طرز چشمگیری افزایش می‌یابد. در واقع، مترجمان نه تنها ملزم هستند که به‌دقت معنای متن را منتقل کنند، بلکه حساسیت‌های فرهنگی و مذهبی را نیز باید در نظر داشته باشند تا از دست رفتن معنا و تأثیرات آن به حداقل برسد.

در زبان عربی، برخی کلمات و ساختارهایی وجود دارند که در فرهنگ ما ناخوشایند محسوب می‌شوند. مترجم باید راهکاری مناسب پیدا کند تا هم از بار معنایی منفی این کلمات بکاهد و هم به متن اصلی وفادار بماند. به نظر می‌رسد، حسن تعبیر راه حل مناسبی برای ترجمه کلمات دارای بار معنایی ناخوشایند باشد (عرب یوسف آبادی، افضل، ۲۰۱۸). اصطلاح «به‌گویی» به فرآیند جایگزینی واژه‌های نامناسب یا ظاهراً نامناسب، با کلمات مؤدبانه اشاره دارد.

احمدی و رضاییان (۲۰۲۲) خاطرنشان می‌سازند که زبان بستری برای تعامل فرهنگ‌هاست و مترجمان در این میان، نقش اصلی را در انتقال این فرهنگ‌ها ایفا می‌کنند. جوامع در طول تاریخ، با تقابل‌های فرهنگی مواجه بوده‌اند؛ برخی از این فرهنگ‌ها مثبت و سازنده و برخی دیگر نامناسب و مخرب بوده‌اند که انتشار آن‌ها در جامعه، مشکل‌ساز شده است. در این شرایط، مترجم به‌عنوان یک واسطه فرهنگی عمل می‌کند و باید مراقب تأثیرات منفی احتمالی باشد. او موظف است با در نظر گرفتن مسائل فرهنگی و اعتقادی جامعه خود، متن اصلی را به‌گونه‌ای ترجمه کند که با جامعه مقصد هماهنگ باشد و به آداب و باورهای آنها آسیبی وارد نکند.

1 Taboo

2 Allen & Burridge

3 Alghizzi

لازم به ذکر است که زبان، به مثابه یک نظام پیچیده، فراتر از ابزاری برای انتقال صرف اطلاعات عمل می‌کند و حامل لایه‌های عمیق فرهنگی، احساسی و اجتماعی است. در بسیاری از متون با واژه‌ها و عباراتی مواجه می‌شویم که در ظاهر دارای بار معنایی ناخوشایند یا منفی هستند. کاربرد این واژگان ممکن است هدفمند بوده و برای اهداف خاصی در بافتار متن اصلی صورت گرفته باشد. علاوه بر این، ممکن است این کلمات و عبارات برخلاف ظاهرشان، در معنای مطلقاً ناخوشایند و منفی مثل توهین به کار نرفته باشند و درک صحیح آن‌ها نیازمند پیش‌زمینه ذهنی و دانش فرهنگی و تاریخی خاصی باشد که تنها برای مخاطب بومی قابل فهم است. در چنین شرایطی، کاربرد ترجمه تحت‌اللفظی برای این واژگان می‌تواند پیامدهای نامطلوبی چون ایجاد سوء برداشت، بروز چالش‌های فرهنگی و کاهش اثربخشی ارتباط میان نویسندگان و مخاطب را در پی داشته باشد. چنین راهکاری، به جای انتقال کارکرد اصلی واژه، صرفاً بار معنایی سطحی آن را به زبان مقصد منتقل می‌کند که اغلب برای مخاطب، بیگانه و چالش‌آفرین است؛ از همین رو، در مواجهه با چنین متونی، انتخاب راهکار مناسب در ترجمه اهمیت حیاتی پیدا می‌کند. این راهکار باید قادر باشد تا ضمن حفظ منظور اصلی نویسندگان، از بار معنایی منفی و مخرب واژه بکاهد و با هنجارهای فرهنگی و ارزشی جامعه مقصد سازگاری یابد.

متن مورد بحث در پژوهش حاضر، نهج‌البلاغه است که خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام علی(ع) در آن گردآوری شده است. در این متن، عبارات به ظاهر مذمت‌گونه درباره زنان وجود دارد که این تحقیق می‌کوشد با بررسی دو ترجمه انگلیسی، به تبیین اهمیت انتخاب راهکارهای کارآمد برای تعدیل بار معنایی منفی و ارتقاء دقت و اعتبار ترجمه بپردازد. پرسش اصلی پژوهش چنین است: مترجمان در ترجمه عبارات نکوهش‌آمیز ناظر به زنان در نهج‌البلاغه از چه راهکارهایی بهره جسته‌اند؟

۲. پیشینه تحقیق

در نهج‌البلاغه گاه با عباراتی مواجه می‌شویم که در ظاهر بار نکوهش دارند؛ با این حال، براساس شرح‌ها و تفاسیر معتبر، این گونه تعبیرات می‌توانند حامل معانی دیگری باشند و کارکردی متفاوت از برداشت نخستین داشته باشند. سلیمی (۲۰۰۱) با استناد به جملاتی از نهج‌البلاغه، ادعا می‌کند که برداشت‌های سنتی از سخنان امام علی(ع) نادرست است. وی معتقد است که فهم، بیشتر بازتاب برداشت‌های اشتباه شارحان در دوران تاریخی خاص خود بوده تا اینکه بیانگر حقیقت کلام امام باشند.

نگاه دیگر این است که اغلب این روایات با جدا شدن از بستر تاریخی خود، با دیدگاه‌های مدرن امروزی در زمینه حقوق زنان مقایسه می‌شوند، حال آنکه محتوای این گزاره‌های نکوهش‌آمیز با ادبیات قرن چهارم به بعد هم‌خوانی دارد. این امر نشان می‌دهد که دیدگاه‌های انتقادی به زنان، با توجه به شرایط فرهنگی دوران تدوین نهج‌البلاغه، قابل درک است و بازتاب تفکراتی است که در متون ادبی و تاریخی آن زمان و دوره‌های پس از آن نیز مشاهده می‌شود (ذیلابی، محمص، ۲۰۱۸).

درباره عبارات دارای بار معنایی منفی و مذمت در متون مختلف مذهبی، ادبی، و غیرادبی تحقیقات زیادی به زبان‌های مختلف انجام شده است. همچنین درخصوص دیدگاه حضرت علی(ع) نسبت به زنان در نهج‌البلاغه و عبارات نکوهش‌آمیز آن نیز پژوهشهایی مشاهده می‌شود ولی درباره موضوع مورد بررسی در خصوص گزاره‌های زن-محور در ترجمه‌های انگلیسی نهج‌البلاغه تاکنون تحقیقی انجام نشده است. پاره‌ای از تحقیقات مرتبط انجام‌شده در این حوزه به شرح زیر است:

- **افروز و همکاران (۲۰۲۵)** در پژوهشی با عنوان رویکردی جامعه‌شناختی به نمود جنسیت مترجم در ترجمه‌های فارسی رمان «الأسود یلیق بک»، یافته‌های خود را براساس مؤلفه‌های زبان زنانه لیکاف (۱۹۷۵) دسته‌بندی کرده و نتایج را از منظر ساخت‌گرایی اجتماعی (کوتس، ۲۰۱۳) تحلیل نموده‌اند. نتایج نشان داد که نحوه مواجهه مترجمان زن و مرد با مقوله‌های ادب و تابوشکنی، برخلاف آنچه لیکاف و مطالعات پیشین مطرح کرده‌اند، متفاوت بوده است؛ نمود گفتار مؤدبانه و تعابیر زنانه در کلام مترجم مرد بارزتر بود.

- [الغزی و همکاران \(۲۰۲۳\)](#) در پژوهشی که در خصوص حسن تعبیر در ترجمه قرآن انجام دادند، به بررسی جامع راهکارهای مورد استفاده مترجمان در ترجمه تعبیرات کنایه‌آمیز موجود در قرآن کریم پرداختند. برای مثال، آیه «وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ؛ اگر بخواهیم چشمانشان را محو کنیم» (یس: ۶۶)، از آنجاکه عبارت «*نابینا و محو کردن چشمان*» دارای بار معنایی مثبت نیست، براساس تحقیق، راهکارهای مورد استفاده برای تعدیل عبارت فوق‌الذکر را می‌توان به چهار نوع تقسیم کرد:
 - (۱) ترجمه تحت‌اللفظی (we could have obliterated their eyes): چشمان او را محو کردیم
 - (۲) جایگزینی (We verily could have quenched their eyesight): نور چشمانش را فرونشاندیم
 - (۳) استفاده از زبان ساده (We could have blinded them): او را نابینا کردیم
 - (۴) ترکیبی از دو راهکار؛ ترجمه تحت‌اللفظی و جایگزینی (We would surely have wiped out (blinded their eyes))

یافته‌ها حاکی از آن است که کنایه‌های قرآنی به‌طور دقیق به زبان انگلیسی برگردانده نشده‌اند، زیرا پرکاربردترین راهکار، استفاده از زبان ساده بوده و پس از آن در بیشتر موارد، ترجمه تحت‌اللفظی انجام شده است.

[سلمانیان و احسانی \(۲۰۲۳\)](#) در مقاله «*قالب‌های ثابت زبان و چالش‌های معادل‌یابی آن در ترجمه‌های نهج‌البلاغه (موردکاوی نفرین‌های جمعی)*»، ۱۴ مورد از نفرین‌های جمعی در نهج‌البلاغه را بررسی کرده‌اند. در این تحقیق، عملکرد پنج مترجم برجسته در ترجمه این نفرین‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که برخی از نفرین‌های ظاهری، در واقع نفرین نیستند و در موقعیت‌های مختلف برای بیان مفاهیمی مانند مدح، تعجب، یا تنبیه استفاده شده‌اند. باین‌حال، مترجمان به این نکته توجه نکرده و ترجمه‌های تحت‌اللفظی یا معادل‌های نادرستی ارائه داده‌اند که نتوانسته است معنای دقیق این عبارات را منتقل کند. نمونه‌های بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد تعبیراتی مانند «*هَيْبَتِكَ أَمْكٌ*»، «*هَيْبَتِكَ الْهَيْبُولُ*»، «*تَكَلُّبِكَ أَمْكٌ*» و «*تَكَلُّبِكَ الثَّوَاكِلُ*» در اصل کنایه‌اند؛ عبارت «*هَيْبَتُ أُمَّةٍ*» در اصل به معنای این است که «*مادرش داغش را ببیند*» و *هَيْبَلٌ* به معنای *ثَكِلَ* (داغ دیدن) است. این عبارات علاوه بر معنای نفرین، می‌توانند دلالت‌های دیگری نیز داشته باشند؛ از جمله شگفتی همراه با ستایش یا شگفتی همراه با نکوهش. بنابراین، فهم مقصود گوینده در کاربرد این تعبیرات تنها با توجه به سیاق سخن و قرینه‌های موجود امکان‌پذیر است.

[نیک‌نام پیرزاده و همکاران \(۲۰۲۳\)](#) در تحقیقی با عنوان «*واکاوی ترجمه کنایات نهج‌البلاغه*» به بررسی راهکارهای اتخاذشده از سوی سه مترجم برای ترجمه عبارات نفرین و نکوهش مانند «*فَقْبِحَا لَمْ وَ تَرَحَا*» (زشت بادید و از اندوه برون نیایید. خطبه ۲۷) پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که هیچ‌یک از کنایات به روش ترجمه کنایی، معادل‌یابی نشده‌اند؛ فروتن/مرعشی (۲۰۲۲) و عسکری جعفری (۱۹۶۵) بیشتر از ترجمه معنایی و سیدعلی رضا (۱۹۸۷) بیشتر از ترجمه تحت‌اللفظی استفاده کرده و برخی کنایات نیز ترجمه نشده‌اند.

[البعنون^۱ \(۲۰۲۲\)](#) در مقاله خود با عنوان «*ترجمه به‌گویانه روابط زناشویی در قرآن کریم*»، دقت و راهکارهای ترجمه عبارات به‌گویانه مرتبط با روابط زناشویی را توسط دو مترجمی که از نظر فرهنگی و زبانی از هم فاصله دارند، یعنی یوسف‌علی و جان آربری، مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که ویژگی‌های حسن‌تعبیری متن مبدأ در ترجمه‌های یوسف‌علی بیشتر از ترجمه‌های آربری حفظ شده است. مثال: «*او لاسمتم النساء فلم تجدوا ماء*» (نساء: ۴۳)

Ye have been in contact with women... (یوسف علی)

You have touched women (آربری)

در مقاله‌ای که به بررسی راهکارهای زیباشناسی کلامی در ترجمه زبان ممنوعه یک رمان عربی پرداخته است، [همتی و افضلی \(۲۰۲۱\)](#) با رویکردی توصیفی-تحلیلی، شیوه‌های زبانی که در ترجمه واژگان نامطلوب عربی به کار می‌روند را بررسی کرده‌اند. برای

مثال، جمله «يعتبر أن جسد المرأة مكسباً و غنمة» به صورت زیر ترجمه شده است: «به زن همچون یک کالا می‌نگریست». هدف پژوهش آن است که واژه‌ها و ساختارهای جمله‌ای از حالت ممنوعه خارج شده و برای آن‌ها معادل‌های مناسب و قابل قبول پیشنهاد گردد. **زندرجیمی و آخوندی (۲۰۲۱)**، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر جنسیت و ایدئولوژی مترجم در ترجمه حکمت‌ها و خطبه‌ها و نامه‌های مرتبط با زنان در نهج‌البلاغه پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که نقش ایدئولوژی مترجمان در ترجمه بسیار مؤثر است ولی از منظر جنسیت، رابطه مستقیمی بین جنسیت مترجم و انتقال بار معنایی مثبت در موضوعات مربوط به زنان دیده نمی‌شود و محمد دشتی برخلاف ناهید آقامیرزایی در ترجمه نسبت به موضوعات زنان بیشتر سعی کرده است از بار معنایی منفی بکاهد. **هارلی^۱ (۲۰۲۰)** در پژوهش خود با عنوان «ترجمه انگلیسی به گویانه از قرآن کریم توسط صحیح اینترنشنال»، راهکارهای پیشنهادی به گویانه را که در ترجمه انگلیسی سوره یوسف به کار رفته‌اند، بررسی کرد. نتایج نشان داد که سه راهکار به کار رفته‌اند: تغییر معنایی؛ وام‌گیری؛ اطناب. نوع غالب در میان این سه راهکار، تغییر معنایی بود. برای نمونه واژه عربی «الفحشا» به *immortality* ترجمه شده که نمونه‌ای از تغییر معنایی محسوب شده است. **قدوری عابد و غانم محمد^۲ (۲۰۲۰)**، در پژوهشی به تحلیل راهکارهای دانشجویان ترجمه هنگام برگردان اصطلاحات دارای حسن تعبیر از انگلیسی به عربی و برعکس پرداختند. نتایج نشان داد که چهار راهکار اصلی توسط دانشجویان به کار گرفته شده است: جایگزینی، ترجمه تحت‌اللفظی، تلفیق چند روش و استفاده از اصطلاحات بدون حسن تعبیر. در میان این روش‌ها، ترجمه تحت‌اللفظی با ۳۶٫۶٪ بیشترین فراوانی را داشته و جایگزینی با ۲۵٫۷٪ در رتبه بعدی قرار گرفته است. برای نمونه «سکرات الموت» به روش‌های زیر ترجمه شده است:

Death throes (literal translation)

Moment of death (substitution)

الجاج و عمر^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی که درباره بررسی مشکلات ترجمه به گویی‌های قرآن است به این نتایج دست یافتند که روند ترجمه آنها به زبان انگلیسی به دلایلی مانند تنوع زبانی و فرهنگی، عموماً مشکل‌آفرین است. در نتیجه مترجمان باید نسبت به عبارات به گویانه در فرآیند ترجمه آگاهی داشته باشند و این عبارات را همان گونه که در متن مبدأ معنا می‌دهند، به دقت ترجمه کنند. در پژوهش سال ۲۰۱۸ که با هدف بررسی راهکارهای ترجمه عبارات تابو از زبان عربی به فارسی انجام شد، عرب یوسف‌آبادی و افضلی رمان «الهی» (به معنی هوس) نوشته هیفا بیطار، رمان نویس مشهور سوری، را انتخاب کردند. این رمان به بررسی مسائل و اسرار دنیای زنانه می‌پردازد. این تحقیق تلاش کرد تا با تحلیل این اثر، راه‌های مناسب برای استفاده از تکنیک «حسن تعبیر» را برای ترجمه این نوع از عبارات کشف و بررسی کند. نتایج نشان داد که «استلزام معنایی» و بعد از آن «گسترش معنایی» پربسامدترین راهکار حسن تعبیر در ترجمه تابوهای رمان به شمار می‌روند. مثال: «تسلم جسدها بیساطه لای رجل» در فارسی به صورت زیر ترجمه شده است «به راحتی به هر مردی پاسخ می‌دهد» (به جای تن فروشی) که نوعی استلزام معنایی است. ترجمه «المراه التي يعرف الجميع ان لديها عشيقا» به «زنی که همه از روابط عاطفی‌اش خبر دارند» (به جای ارتباط نزدیک داشتن زن و مرد)، نمونه‌ای از گسترش معنایی است.

در پژوهشی پیرامون برگردان تابوهای فرهنگی، **میرزایی و همکاران (۲۰۱۵)** دریافتند که شیوه‌های حذف، جایگزینی و کاهش از مهم‌ترین راهکارهای ساده‌سازی مترجم در ترجمه رمان‌های نجیب محفوظ است.

الحماد و سلمان^۴ (۲۰۱۳) به بررسی ترجمه انگلیسی عبارات به گویانه قرآن کریم که توسط چند مترجم مختلف انجام شده است، پرداختند. آنها ۲۳ حسن تعبیر از سوره‌های مختلف قرآن را انتخاب کردند که این عبارات براساس راهکارهای واژگانی

1 Harley

2 Qadoury Abed & Ghanim Mohammed

3 Alahj & Omer

4 Al-Hamad & Salman

حسن تعبیر و به‌صورت موضوعی، طبقه‌بندی شدند. در این تحقیق مشخص شد که در ترجمه موضوعات با حساسیت فرهنگی مانند رابطه جنسی، طلاق و مرگ که در قرآن مطرح شده‌اند، اغلب تعدیل بارمنفی یا بیان ملایم‌تر راهکار غالب بوده یا به‌طور کلی حذف این عبارات مشاهده می‌شود.

موسوی و بدخشان (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «حسن تعابیر ناپسند» از لحاظ کاربردشناختی، حسن تعابیر را در دو گونه مجزا دسته‌بندی می‌کنند: دسته اول که «حسن تعابیر رایج» نامیده می‌شوند معمولاً بیان‌کننده ادب و نزاکت اجتماعی و تلاش جهت جلوگیری از جریحه‌دار کردن احساسات دیگران درباره موضوعات حساس مانند مرگ، بیماری، مسائل جنسی و غیره می‌باشد. دسته دوم «حسن تعابیر ناپسند» نامیده می‌شود؛ در این‌گونه، به‌گویی، ترفندی برای پوشاندن حقیقت و سرپوش گذاشتن بر رسوایی‌های سیاسی و اقتصادی و تغییر افکار عمومی درباره برخی رویدادهای اجتماعی است؛ از همین رو، استفاده از حسن تعبیر جهت مطبوع ساختن واژه‌های آزاردهنده نیست و این دسته «حسن تعبیر غیرصادقانه» نامیده می‌شود.

آنست^۱ (۲۰۰۶) چهار راهکار برای برخورد با حسن تعبیر در ترجمه پیشنهاد کرد. راهکار اول ترجمه تحت‌اللفظی عبارت‌های به‌گویانه به زبان‌های دیگر است. راهکار دوم جایگزینی است که به معنی جایگزین کردن عبارت با عبارتی قابل‌درک برای خوانندگان مقصد می‌باشد. راهکار سوم استفاده از زبان ساده یعنی برگردان عبارت به‌گویانه به‌صورت صریح و بدون به‌گویی است. راهکار چهارم ترکیبی از دو راهکار می‌باشد.

کرسپو فرناندز (۲۰۰۵) درخصوص بهره‌گیری از «راهکارهای حسن تعبیر به‌منظور رعایت ادب و وجهه اجتماعی» اشاره می‌کند که برای جلوگیری از برخوردهای اجتماعی و سوءتفاهم در روابط بین‌افردی بهتر است که کاربران زبان از راهکارهای تعدیلی برای مواردی استفاده کنند که بیان مستقیم ممکن است بی‌احترامی تلقی شود؛ بدین ترتیب، از شدت جملات امری کاسته و لحن کلام تعدیل می‌شود. وی راهکارهای زیر را پیشنهاد می‌دهد: ۱. تعدیل لحن با استفاده از جملات پوزشی، مانند «بخشید در را ببندید». ۲. استفاده از عبارات شبه‌امری به‌جای جملات امری؛ یعنی استفاده از کلمات، قیدها و عباراتی که از شدت امر بکاهد، مثال: «ممکن است/بی‌زحمت/ اگر اشکالی ندارد در را ببندید». ۳. استفاده از جملات شرطی؛ مثال: «اگر جای آنها بودم در این هوای سرد در را باز نمی‌گذاشتم».

نتایج مطالعات پیشین نشان می‌دهد که هنگام ترجمه متون مقدس، مترجمان عمدتاً ترجیح می‌دهند واژه‌هایی را که بار معنایی نه‌چندان مثبت دارند، به‌صورت تحت‌اللفظی ترجمه کنند و در نهایت برای ابهام‌زدایی توضیحاتی به متن می‌افزایند. این راهکار به این دلیل انتخاب می‌شود که استفاده از شیوه‌های به‌گویانه (حسن تعبیر) ممکن است تاحدی معنای اصلی را در متن مقصد تغییر دهد. باین‌حال، در برخی موارد، راهکارهای جایگزین نیز به کار گرفته شده است، ولی در متون ادبی یا موارد دیگر که حساسیت فرهنگی احساس می‌شود و متن موردنظر دارای عبارات توهین‌آمیز بوده، و یا بار نکوهش‌آمیز داشته باشند، معمولاً ترجیح مترجمان این است که از راهکارهای تعدیلی برای تخفیف بار منفی عبارات و کلمات استفاده شود.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش کیفی-توصیفی، به استخراج و بررسی عبارات نکوهش‌آمیز از میان گزاره‌های زن محور نهج‌البلاغه پرداخته است. این تحقیق، فارغ از مبانی فکری و دیدگاه‌های صاحب‌نظران درخصوص گزاره‌های مذکور، مسئله را از منظر مطالعات ترجمه بررسی کرده و کوشیده است راهکارهایی را استخراج نماید که مترجمان برای انتقال این عبارات در ظاهر و یا حقیقتاً نکوهش‌آمیز اتخاذ کرده‌اند.

ابتدا، عبارات عربی مربوط به نکوهش زنان در نهج‌البلاغه جمع‌آوری شد. سپس، دو ترجمه انگلیسی موردنظر- ترجمه **قطب‌الدین (۲۰۲۴)** و **فروتن/مرعشی (۲۰۲۲)**- با متن اصلی تطبیق داده شد؛ این دو ترجمه، جدیدترین ترجمه‌های حال حاضر نهج‌البلاغه هستند. در نهایت، فراوانی راهکارهای به‌کاررفته در ترجمه‌ها با تکیه بر طبقه‌بندی ارائه‌شده از سوی **وارن (۱۹۹۲)** با ارائه نمودار نشان داده شد. راهکارهای احتمالی مترجمان نیز به این فهرست افزوده شدند.

۱-۳. چهارچوب نظری پژوهش

در این تحقیق از دسته‌بندی‌های ارائه‌شده برای «به‌گویی» که وارن^۱ (۱۹۹۲) معرفی کرده، استفاده شده است. وی طبقه‌بندی مفصل ارائه می‌دهد که با توجه به موضوع مقاله حاضر، تمام موارد برای این پژوهش کاربرد نداشته و تنها چند تکنیک که فراوانی قابل توجهی داشته‌اند در تحلیل داده‌ها به آنها پرداخته می‌شود. طبقه‌بندی وارن به شرح زیر است (مثالها توسط نگارندگان این مقاله اضافه شده است):

تخصیص (خاص‌سازی)^۲: خاص‌سازی فرآیندی است که طی آن، یک کلمه یا عبارت از معنای عمومی و گسترده خود جدا شده و در یک بافتار خاص، معنای بسیار محدودتر و مشخص‌تری پیدا می‌کند. در نتیجه، این معنای جدید یک زیرشاخه از معنای اصلی کلمه است.

برای مثال، واژه عربی «راوده مروده» به معنای کسی را خواستن است و اگر به صورت «راوده عن نفسه» یا «راوده علی نفسه» بیاید به معنای کسی را به انجام فحشا با خود دعوت کردن است (بندرریگی، ۱۹۸۷: ۲۰۹). کلمه «مروده» به معنای عام برای معاشرت و ارتباط استفاده می‌شود. اگر این کلمه را به بار معنایی منفی محدود کرده و فقط معنای «رابطه جنسی» برای آن در نظر گرفته شود، یعنی تخصیص صورت گرفته است.

استلزام معنایی^۳ (اشاره ضمنی): این فرآیند به این معناست که دو عمل یا دو مفهوم، اغلب آن قدر به هم نزدیک هستند که یکی به طور ضمنی دیگری را به ذهن متبادر می‌کند. به عنوان مثال «*the patient is dead*» در فارسی این گونه ترجمه شود: «آن بیمار دیگر درد نمی‌کشد» به جای این که بگوییم «آن بیمار مرده است».

برای روشن شدن مفهوم استلزام معنایی، عرب یوسف‌آبادی و افضلی (۲۰۱۸) توضیح می‌دهند که فرآیند استلزام به مخاطب اجازه می‌دهد تا معنای ناخوشایند یک عبارت را از طریق بافتار آن کشف کند. به این ترتیب، مترجم می‌تواند بدون اینکه صراحتاً کلام ناخوشایندی را به کار ببرد، فهم آن را به درک خود مخاطب از شرایط واگذار کند. در واقع، این معنای ناخوشایند، از طریق اشاره و فراتر از معنی ظاهری کلمات، قابل فهم است.

مجاز^۴: در مجاز، از نام یک شیء یا مفهوم برای اشاره به شیء یا مفهوم دیگری استفاده می‌شود که با آن رابطه‌ای نزدیک دارد. در مجاز بین ارجاع بافتاری و ارجاع قراردادی، یک رابطه هم‌وقوعی وجود دارد. مجاز جزء به جای کل یکی از مهمترین انواع مجاز است و در ساخت به‌گویی به کار می‌رود. به عنوان مثال برای «خانه فساد» در انگلیسی از عبارت *red lamp* استفاده شود: *has 'the place which a red lamp' (مکانی با لامپ قرمز رنگ) استعاره*^۵: استعاره بدین معناست که برخی از ویژگی‌های ارجاع قراردادی، در ارجاع بافتاری نیز وجود دارد؛ برخی از ویژگی‌ها یا صفات اصلی یک کلمه، به معنای جدید آن در یک بافتار خاص نیز منتقل می‌شود. برای مثال، ممکن است برای فردی که پرخور است در عربی از این اصطلاح استفاده شود: «رَجُلٌ رَحْبٌ الْبُلْعُومِ مُنْدِحِقٌ الْبَطْنِ» (خطبه ۵۷ نهج البلاغه)، به معنای مردی با گلوئی گشاد و شکم بزرگ.

رد خلف^۶: ردخلف به‌گویانه روشی است که در آن، یک واژه ناخوشایند و آزاردهنده با منفی کردن واژه متضاد آن که معنای مثبتی دارد، بیان می‌شود. به عنوان مثال برای واژه «کافر» در انگلیسی از معادل «*unbeliever*» (بی‌ایمان) استفاده شود.

1 Warren

2 Particularization

3 Implication

4 Metonymy

5 Metaphor

6 Reversal

کم‌گفت^۱: به‌جای استفاده از صفت مستقیم و قوی، از یک صفت ضعیف‌تر یا منفی متضاد استفاده می‌کنیم تا به تأکید بیشتری دست یابیم. برای مثال: «چندان معتقد نیست» را می‌توان به‌جای «کافر»، استفاده کرد.

مبالغه^۲: مبالغه یا اغراق استفاده از واژه‌هایی است که شدت آن‌ها بیشتر از نیاز موقعیت است، تا جمله تأثیر و قدرت بیشتری داشته باشد. به‌عنوان مثال برای واژه «مردن» از عبارت مقابل استفاده شود: «*to go to a better place*» (به‌جای بهتری رفتن) **گسترش معنایی**^۳: با این راهکار، ضمن اینکه معنی اصلی یک واژه دست‌نخورده باقی می‌ماند، دامنه‌ای از معانی جدید نیز به آن اضافه می‌شود. در این حالت، حسن تعبیر جامعیت بیشتری پیدا می‌کند و شامل آن تعابیر ناخوشایند نیز می‌شود. در این روش، تابوها انتزاعی می‌شوند. برای مثال، واژه قرآنی «رفث»: به معنی سخن گفتن پیرامون مسائل جنسی است ولی به همین مناسبت، گاه در خود آمیزش جنسی به کار می‌رود (شریعت‌مداری، ۱۹۹۵: ۱۸۳). اگر این کلمه با عبارت «*intimate relations*» (روابط نزدیک/زناشویی داشتن) معادل‌یابی شود از این راهکار استفاده شده است.

حذف^۴: گاهی کلمات و عبارات دارای معنای ناخوشایند کاملاً حذف شده و در متن مقصد منعکس نمی‌شود و در نتیجه معنا نیز از بین می‌رود. **بدخشان و موسوی** (۲۰۱۴) حذف را به دو دسته حذف کامل و شبه حذف دسته‌بندی کرده‌اند. کلمات و عبارات منفی ممکن است به‌طور کامل حذف شوند و به‌جای آن‌ها سه نقطه (...) گذاشته شود، در بعضی موارد هم حذف کامل صورت نمی‌گیرد و شبه حذف دیده می‌شود به این صورت که بعضی حروف از یک کلمه حذف می‌شود و یا حروف آغازین و پایانی عبارت یا کلمات دارای بار منفی حذف شده و به‌جای آن‌ها علائم نگارشی مانند نقطه یا خط تیره قرار می‌گیرد. برای مثال بگوییم «فلانی عجب آدم... است» و یا اینکه «عجب زردی‌ای! -حر... زاده!» به نظر می‌رسد وقتی کلمات ناخوشایند به این شیوه حذف می‌شوند، برای درک دقیق آن‌ها باید تلاش ذهنی بیشتری به کار ببریم. همین تلاش بیشتر، از بار منفی و معنایی آن کلمات کم می‌کند (۶-۷).

مضاعف‌سازی^۵: زمانی که در متن عبارات نامناسب یا توهین‌آمیز باشد، می‌توان آن‌ها را به‌گونه‌ای ترجمه کرد که لحن دلپذیرتری داشته باشند. در این فرآیند، با افزودن کلمات برای وضوح سخن یا حتی تکرار آن‌ها به‌صورت غیرمستقیم و تلویحی معنای اصلی و مورد نظر به مخاطب منتقل می‌شود. برای مثال، استفاده از عباراتی مانند «فلان فلان شده» و «گوربه‌گور شده» به‌جای دشنام دادن.

وام‌واژه^۶: در این روش به‌جای استفاده از معادل آن عبارت در زبان مقصد که ممکن است تابو باشد از کلمات بیگانه استفاده می‌شود تا بار منفی کاهش یابد. به‌عنوان مثال کلمه *dogmatic* را در فارسی «دگماتیک» بنویسیم به‌جای استفاده از معادل «متعصب».

عبارات اشاره‌ای^۷: هنگام ترجمه، مترجم می‌تواند به‌جای نام بردن مستقیم از موضوعات تابو، از عبارات‌های اشاره‌ای مانند «این» و «آن» استفاده کند تا از بار معنایی منفی کلمات بکاهد.

۴- یافته‌های تحقیق

۵۶ مورد از عبارات نکوهش‌آمیز عربی درباره زنان از میان خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه جمع‌آوری و با ترجمه‌های انگلیسی آن‌ها مقایسه شد. از آنجاکه این عبارات طولانی بوده و شرح و توضیحات مربوط به آن‌ها مفصل ذکر شده است، در این پژوهش تنها به تعداد محدودی از موارد مورد بحث اشاره می‌شود که در این مجال امکان بحث و بررسی آن‌ها وجود داشته باشد. راهکارهای مورد استفاده این دو مترجم براساس دسته‌بندی پیشنهادی **وارن** (۱۹۹۲) استخراج گردید که عبارتند از: **خاص‌سازی**، **استلزام معنایی**، **استعاره**، **ردخلف**، **کم‌گفت**، **مبالغه**، **گسترش معنایی**، **حذف**، **مضاعف‌سازی** و **استفاده از عبارات اشاره‌ای**. در بررسی

1 Understatement

2 Overstatement

3 Extension of meaning

4 Elision

5 Reduplication

6 Loan word

7 Referenced phrases

راهکارها، مواردی که فراوانی آنها صفر بوده است، لحاظ نشده‌اند. لازم به ذکر است که دو راهکار استفاده از ترجمه تحت‌اللفظی که در واقع بیان مستقیم عبارات نکوهش‌آمیز می‌باشد و اضافه کردن توضیحات در خصوص این عبارات مذمت‌گونه در ذیل هر ترجمه، در بررسی این دو ترجمه یافت شد و در چهارچوب نظری مورد بحث به آنها پرداخته نشده است.

نمونه ۱: و من خطبة له (عليه السلام) بعد فراغه من حرب الجمل في ذم النساء ببيان قصصهن: معايشر الناس، إن النساء تواقض الإيمان، تواقض الخُطوط، تواقض العُقول... (خطبه ۸۰)

ای مردم! زنان از نظر ایمان و بهره اقتصادی و موهبت عقل، کاستی‌هایی دارند (مکارم شیرازی، ۱۹۹۶، ۲: ۲۸۷)

T1: [This sermon was delivered after Amir al-Mu'minin (a) defeated the rebels at the Battle of the Camel. The battle was led by 'Ayisha, the wife of the Prophet, who was provoked by Talha and Zubayr. Some scholars state that this sermon is about women who behave like 'Ayisha and those who follow their lead.] ...;

Women [who behave like this] have imperfect faith, inheritance, and intellect...

(Foroutan & Marashi, 2022: 112)

این خطبه بعد از جنگ «جمل» وارد شده است. میدان‌دار اصلی آن جنگ، عایشه، همسر پیامبر(ص) بود که به تحریک «طلحه» و «زبیر»، در جنگ خونینی وارد شد که آثار نامطلوب آن در تاریخ باقی ماند (ابن ابی الحدید، بی‌تا، ۶: ۲۱۴).

ترجمه اول: به‌طور کلی مترجم اول برای این جمله که در نگاه اول نکوهش‌آمیز به نظر می‌رسد، توضیحاتی افزوده است تا برای خواننده منظور کلام امام را روشن سازد که روی سخن ایشان متوجه زنان به معنای مطلق نیست و فهم این گفته نیازمند آگاهی خواننده و پیش‌زمینه ذهنی از حادثه مرتبط با این سخن می‌باشد. بدین ترتیب توضیح داده است که زنانی همچون عایشه و کسانی که از وی تبعیت می‌کنند با این خصایص مذموم معرفی می‌شوند. برای برخی از کلمات از معادل‌های تعدیل‌یافته به‌جای معادل صریح بهره برده تا از بار معنایی منفی که احتمالاً بدون مراجعه به شرح خطبه برای خواننده ایجاد می‌شود، اجتناب ورزد:

رد خلف: imperfect را برای واژه تواقض به کار برده است. در واقع مترجم با افزودن پیشوند منفی‌ساز «im» در انگلیسی بر سر واژه مثبت «perfect» معنای ناخوشایند را به‌طور غیرصریح و با بار منفی کمتری جایگزین کرده است.

راهکار دیگری که مترجم به کار برده است تأکیدزدایی واژه تواقض می‌باشد؛ در خطبه این کلمه سه بار تکرار شده اما در انگلیسی فقط یکبار استفاده شده و دو مورد دیگر به قرینه حذف گردیده است. این روش نیز تاحدی از بار منفی عبارات کاسته است.

خاص سازی: مترجم سعی کرده است که در بعضی موارد به‌جای ترجمه دقیق آن کلمه با توجه به شرح و مفاهیم مرتبط با آن عبارت، معادلی ارائه دهد؛ برای مثال، در ترجمه کلمه الخُطوط از معادل انگلیسی ارث (inheritance) استفاده کرده و آن را با مال و ثروت معادل‌یابی نکرده است. این واژه معنای عام دارد ولی مترجم با استفاده از اطلاعات موجود در قسمت بعد معادل‌یابی انجام داده است. این بافتار به‌صورت صافی عمل کرده و معنای مورد نظر را به عبارتی خاص محدود کرده است.

T2: From an address by 'Alī following the Battle of the Camel, in censure of women:

People! Women are deficient in faith, deficient in fortune, and deficient in mind.

(Qutbuddin, 2024: 203)

ترجمه دوم: ترجمه تحت‌اللفظی

واژه استفاده شده deficient که دقیقاً مفهوم منفی کلمه تواقض را منتقل کرده است. این کلمه در انگلیسی به معنای کمبود و کاستی چیزی است. کلمه بدون توجه به بار ناخوشایند به‌صورت تحت‌اللفظی و بدون تغییر منتقل شده است.

Deficient: lacking in some necessary quality or element; not up to a normal standard or complement (Merriam-Webster, n.d.).

نمونه ۲: إِنَّ النِّسَاءَ هُمُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا؛ (خطبه ۱۵۳)

و زنان (هوسباز) تمام فکرشان زینت زندگی و فساد در آن است (مکارم شیرازی، ۱۹۹۶، ۶: ۷۸).
 امام(ع) در پایان این خطبه، اوصافی را بیان می‌دارند: «چهارپایان تمام هم‌تشان شکم‌هایشان است و درندگان تمام هم‌تشان تجاوز و تعدی به دیگران است و زنان (هوسباز) تمام فکرشان زینت زندگی و فساد در آن است» از نظر برخی شارحان، این جملات در وصف سردمداران جنگ جمل و از جمله عایشه بیان شده است (شوشتری، ۱۹۹۸، ۱۴: ۳۴۰؛ مکارم شیرازی، ۱۹۹۶، ۶: ۷۸)؛ بنابراین، وصف عام همه زنان نیست.

T1: ...and women seek the ornaments of the world and mischief.

(Foroutan & Marashi, 2022 :252)

ترجمه اول: گسترش معنایی

کلمه فساد در این خطبه که برای زنان به کار رفته، بدون در نظر گرفتن شرح و توضیحات مربوط به خطبه موردنظر، برای مخاطب دارای بار معنایی منفی است. بدین ترتیب، مترجم برای تعدیل بار منفی آن، کلمه را با معادلی جایگزین کرده است تا ناخوشایندی ظاهری عبارت را تاحدی بزدايد. این واژه در مقایسه با فساد، جامعیت بیشتری دارد و آن واژه ناخوشایند را نیز دربرمی‌گیرد. معادل به‌کارگرفته‌شده براساس تعریف فرهنگ و بستر به معنای «آزار و شرارت و شیطنت نه‌چندان جدی» است. فساد نیز نوعی شرارت و آزار به‌حساب می‌آید.

Mischief: action that annoys or irritates. (Merriam-Webster, n.d.)

T2: ... and women care only about worldly adornments and sowing discord.

(The reference about women is to 'Ā'ishah, who was at the head of the coalition challenging 'Alī's caliphate.)

(Qutbuddin, 2024: 347)

ترجمه دوم: گسترش معنایی - تصریح‌سازی

همان‌طور که برای ترجمه نخست ذکر شد در این ترجمه نیز مترجم از واژه دیگری که دارای جامعیت معنایی بیشتری نسبت به فساد است، استفاده کرده و بدین ترتیب تاحدی منفی زدایی صورت گرفته است. مضافاً اینکه افزودن توضیحات در کنار ترجمه باعث تصریح معنا و روشن شدن این مطلب است که روی سخن امام با فرد و افراد خاصی از گروه زنان می‌باشد.

-Discord implies an intrinsic or essential lack of harmony producing quarreling, factiousness, or antagonism. (Merriam-Webster, n.d.)

این واژه به معنای اختلاف، نفاق و نزاع می‌باشد.

نمونه ۳: وَ إِيَّاكَ وَ مُشَاوِرَةَ النِّسَاءِ، فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَىٰ أَقْنٍ وَ عَزْمَهُنَّ إِلَىٰ وَهْنٍ؛ وَ اكْفُفْ عَلَيْنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ يَا هُنَّ، فَإِنَّ

شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَىٰ عَلَيْنَّ؛ (نامه ۳۱)

از مشاوره با زنان (کم‌خرد) بهره‌یز که رأی آنها ناقص و تصمیمشان سست است. و از طریق حجاب، دیده آنها را از دیدن مردان بیگانه باز دار، زیرا تأکید بر حجاب، آنها را سالم‌تر و پاک‌تر نگاه خواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۹۹۶، ۹: ۶۸۹).

مسائل احساسی و عاطفی بر زنان غلبه دارد و همین امر در مقام مشاوره با آنها اثر می‌گذارد. بدیهی است هر حکم عامی، استثنائاتی دارد و در این مورد نیز زنانی را می‌توان یافت که در عزم و اراده و رأی، استوار هستند. دومین توصیه همان فرمان الهی در قرآن است: «وَقُلْ لِمُؤْمِنَاتٍ يَعْضُرْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ وَ به زنان باایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را (از بی‌عفتی) حفظ کنند» (نور: ۳۱) که برخلاف تصور بسیاری از مردم، همه فتنه‌ها از ناحیه نگاه مردان به زنان نیست، بلکه بسیاری از آنها به سبب نگاه زنان به مردان و وسوسه‌های آنهاست که امام(ع) برای جلوگیری از آن، دستور

می دهد آنها را در حجاب نگه دار. روشن است که این قبح نیز همه زنان را شامل نمی شود بلکه زنان بی بندوبار یا ضعیف‌الایمان را می گوید (همان).

T1: Avoid consulting with women [in the affairs of governing] because their decision is not irrevocable nor is their opinion strong enough. Keep within them within the curtains of hijab lest to be seen [by the unreliable men]

(Foroutan & Marashi, 2022 :463)

ترجمه اول: تصریح‌سازی، رد خلف، وام‌واژه، به‌گویی استعاری
برای قسمت اول که «پرهیز از مشورت با زنان» است، مترجم ترجمه تحت‌اللفظی ارائه داده و سعی کرده است برای کاستن از بار منفی، توضیح مربوط را بعد از این جمله اضافه کند که منظور مشورت در امور حکومتی است.
برای قسمت دوم این بخش «رَأَيْتُمْ إِلَى أَفْنٍ وَ عَزْمَهُنَّ إِلَى وَهْنٍ» از رد خلف بهره جسته است و پیشوند منفی‌ساز بر سر کلمه مثبت revocable آورده است؛ این جمله به‌صورت تحت‌اللفظی این‌گونه ترجمه می‌شود: «تصمیم آنها بدون تغییر و قطعی نیست»، به‌جای آنکه مستقیم و صراحتاً بگوید «رأى آنها ناقص است»، بنابراین این واژه بار ناخوشایند تعدیل یافته دارد.

- **Irrevocable** is an adjective that means "incapable of being recalled or revoked; unchangeable; irreversible." (Merriam-Webster, n.d.)

چنین توضیحاتی برای جمله بعدی نیز قابل قبول است؛ جمله انگلیسی در فارسی به این صورت ترجمه می‌شود:

«تصمیم آنها چندان محکم نیست» به‌جای استفاده از عبارت صریح «تصمیم آنها سست است»

- "Not strong enough" is a phrase used to indicate that something lacks the necessary power, quality, or ability to perform a task or meet a standard. (Merriam-Webster, n.d.)

استفاده از راهکار رد خلف برای این دو جمله باعث کاهش بار معنایی منفی واژه‌های ناخوشایند «ناقص» و «سست» شده است.

در قسمت آخر متن از وام‌واژه حجاب در متن انگلیسی استفاده شده است که معنای مثبت و قابل قبول‌تری نسبت به واژه veil در انگلیسی دارد، زیرا حجاب با بار معنایی مثبت و برای محافظت استفاده می‌شود- به‌خصوص اینکه مترجم از واژه keep با بار معنای مثبت نیز در ابتدای این جمله استفاده کرده است- ولی چنین بارمعنایی لزوماً از کلمه veil استنباط نمی‌شود.
عبارت داخل پرانتز در انتهای متن نیز به تصریح‌سازی معنا کمک کرده و در نتیجه بار معنایی ناخوشایند را تعدیل نموده است؛ بدین ترتیب مشخص می‌شود که منظور این نیست که زنان مطلقاً نباید توسط مردی دیده شوند؛ بلکه بدین معناست که زنان از نگاه افراد هوس‌آلود در امان باشند.

T2: Beware of seeking advice from women, for their opinion can be weak and their resolve can waiver. Employ the veil to shade their eyes, for strict veiling preserves modesty; (Qutbuddin, 2024: 595)

ترجمه دوم: تحت‌اللفظی، کم‌گفت، مجاز

در قسمت اول خطبه، مترجم برای جمله «وَ إِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ» از معادل انگلیسی فوق استفاده کرده که در مقایسه با کلام متن مبدأ شدت بیشتری برای برحذر داشتن به کار برده است. در فرهنگ انگلیسی آمده است:

The use of "beware" suggests a level of risk that may be exaggerated for effect. In most cases of getting bad advice, the result is not so dire that one would need to be

"wary" or "afraid." Therefore, unless the person is truly malicious or incompetent, "beware" is likely an overstatement. ([Merriam-Webster, n.d.](#))

براساس این تعریف، عبارتی که مترجم به کار برده است نهی جدی به همراه دارد و برای اجتناب از خطر با احتمال قوی و احتیاط بیشتر به کار می‌رود؛ بنابراین برای جلوگیری از ایجاد چنین مفهومی برای خواننده انگلیسی‌زبان شاید بهتر بود معادل ملایم‌تری انتخاب کند.

استفاده از عبارت *seek advice from* به‌طور کلی به معنای مشاوره و مشورت گرفتن نیست. در این عبارت فعلی «پذیرش و قبول نصیحت و توصیه دیگران» مورد تأکید است و با معنای دقیق مشورت کردن متفاوت است.

To seek advice from somebody: it focuses in the **reception** and acceptance of advice.

اضافه کردن کلمه *can* به جمله تاحدی از بار منفی کاسته است؛ زیرا نشان می‌دهد که رأی و تصمیم زنان ممکن است دچار تزلزل شود. می‌توان گفت مترجم با استفاده از چنین ساختاری به جای کاربرد صریح جمله سعی داشته است منفی‌زدایی در ذهن مخاطب شکل بگیرد. این فعل کمکی در انگلیسی، دامنه معنایی گسترده‌ای دارد و معنای مورد استفاده در این جمله «احتمال و امکان وقوع» می‌باشد. بدین ترتیب این‌گونه به ذهن مخاطب مقصد می‌رسد که ممکن است تصمیمات زنان سست باشد یا اینکه در مورد بعضی زنان در شرایط خاص این امر امکان وقوع دارد.

The verb "can" is a modal auxiliary verb in English. It's a very common and versatile word that has several different meanings and uses. Can" can be used to indicate that something is possible, either generally or in a specific situation ([Merriam-Webster, n.d.](#)).

استفاده از زبان مجاز برای به‌گویی در ترجمه جمله زیر مشاهده می‌شود:

Employ the veil to shade their eyes

در این جمله مترجم به‌جای استفاده از معادل مستقیمی که ممکن است بار معنایی ناخوشایند داشته باشد از راهکار به‌گویانه بهره برده است. در غیر این صورت ترجمه با جمله زیر انجام می‌شد:

"being seen by others."

نمونه ۴: الْمَرْأَةُ عَقْرَبٌ، حُلُوَّةُ السَّنْبَةِ (حکمت ۶۱)

زن عقربی است که نیش او شیرین است.

امام (ع) در این سخن حکیمانه به یکی از ویژگی‌های متضاد زنان اشاره کرده است. به یقین منظور امام، همه زنان نیستند، زیرا بسیاری از آنان دارای چنان ایمان و تربیت و اخلاقی هستند که هرگز چنین عبارتی درباره آن‌ها صادق نیست؛ بنابراین، مراد آن است که طبیعت زنی که تربیت کافی نداشته و روحش از ایمان و معرفت سیراب نباشد، حالت گزندگی دارد و این سخن حکیمانه برای مردان حاوی پیامی است که به‌دلیل فواید وجودی آن زنان، نیششان را تحمل کنند. در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است: «یکی از حقوق زن بر مرد این است که اگر کار جاهلانهای انجام دهد، او را ببخشد و از او درگذرد» ([مکارم شیرازی، ۱۹۹۶، ۱۲: ۳۷۵](#)).

T1: Women are sweet; Even the scorpion-like sting from the woman is sweet.

([Foroutan & Marashi, 2022](#): 344)

ترجمه اول: به‌گویی استعاری، مبالغه

در ترجمه نخست، مترجم به‌جای اینکه مستقیم بگوید زن عقرب است، تشبیه زن به عقرب را در قالب عبارتی استعاری و به‌صورت غیرمستقیم بیان نموده است؛ می‌توان تحت‌اللفظی این جمله انگلیسی را این‌گونه نوشت: «زنان زن یا سخنان نیش‌دار و عقرب گونه او...». بدین ترتیب وقتی بر نکات مثبت یک موضوع در زبان مقصد تأکید می‌شود، جنبه‌های منفی آن پنهان می‌ماند یا توجه افراد به آن‌ها کمتر معطوف می‌شود.

تکرار جمله woman is sweet در انگلیسی مشاهده می‌شود در صورتی که در متن مبدأ، فقط یک‌بار به کار رفته است؛ بنابراین مترجم با راهکار «مبالغه یا اغراق» سعی داشته است بار معنایی مثبت را تقویت کند و نوعی به‌گویی آفریده است.

T2: A woman is a scorpion with a sweet sting

([Outbuddin, 2024](#): 695)

ترجمه دوم: ترجمه تحت‌اللفظی و انتقال بار معنایی جمله مبدأ بدون تغییر

نمونه ۵: غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ، وَ غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ (حکمت ۱۲۴)

غیرت زن کفر است و غیرت مرد ایمان.

این کلام اشاره به این مطلب است که اگر زن نسبت به همسر دیگری برای شوهرش حسادت بورزد و عکس‌العمل تندی نشان دهد، در واقع مخالفت با فرمان خدا کرده است، زیرا خداوند روی مصالح متعدد، تعدد زوجات را با شرایطی مجاز شمرده است؛ ولی اگر مرد نسبت به ارتباط همسرش با مرد بیگانه حسادت بورزد و از گام نهادن او در زندگی خانوادگی ناراحت گردد و عکس‌العمل نشان دهد، در واقع اطاعت فرمان خدا کرده و در مسیر نهدی از منکر گام برداشته است. (مکارم شیرازی، ۱۹۹۶، ۱۳: ۳۷)

T1: *Ghayrah* by women is heresy, while in men is belief.

(Some translators prefer the word “jealousy” instead; either way, *Ghayrah* in this sentence means one’s dislike that his/her spouse would have other sexual relationships. Since men are allowed to marry more than one wife, *Ghayrah* by women, i.e. not allowing them or trying to prevent them from marrying again, is heresy since it is against God’s law, whereas vice versa is the sign of belief. That said, polygamy is under strict conditions and obligations in Islam.

([Foroutan & Marashi, 2022](#):353)

ترجمه اول: استفاده از واژه قرضی، تصریح‌سازی

مترجم کلمه عربی غَيْرَةُ را در انگلیسی آوانگاری کرده و در واقع برای زدودن بار منفی کلمه از عبارت غیربومی در زبان مقصد بهره برده است. کلمه غیرت در ظاهر ممکن است دارای بار معنایی منفی باشد؛ بنابراین، مترجم کلمه عربی را نگاه داشته تا تأکید کند که دامنه معنایی این کلمه گسترده‌تر از معادل‌های احتمالی در زبان مقصد می‌باشد و لزوماً به معنای منفی نیست؛ مخصوصاً اینکه هم‌نشینی این کلمه با واژه کفر برای خواننده بار منفی بیشتری را به ذهن متبادر می‌سازد. برای این واژه تعریف زیر یافت می‌شود:

According to Wikipedia, "[Ghayrah](#)" (2026) defines the term as a concept in Islam and Arab culture that refers to a person's protective jealousy or sense of honor, particularly in matters of family and religion. It's often used to describe a strong feeling of protectiveness over one's honor, dignity, or family members, such as a man's protective feelings toward his wife or sister.

از سوی دیگر، توضیحاتی که در ذیل این ترجمه آورده شده است به تعدیل بار منفی کلمه کمک می‌کند و برای مخاطب روشن می‌شود که منظور از غیرت برای مرد و زن چیست.

T2: Woman’s jealousy is heresy, man’s jealousy is faith.

(Islamic law allows a man to marry up to four co-wives, while a woman may only marry one man at a time.) ([Outbuddin, 2024](#): 713)

ترجمه دوم: گسترش معنایی، تصریح‌سازی
 مترجم دوم واژه عَيْرَةَ را با معادل کلی‌تری در انگلیسی جایگزین کرده است که چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. واژه jealousy
 عام است و برای فهم دقیق عَيْرَةَ باید این کلمه را به معادل‌های زیر محدود کرد:

Ghayrah: protective jealousy, positive jealousy: active feeling of wanting to protect something or someone from harm, dishonor, or disrespect ([Ghayrah, 2026](#)).

در واقع مترجم سعی کرده است احساس ناخوشایند همراه این واژه را با افزودن توضیحات بیشتر (تصریح‌سازی) تلطیف نماید.

نمونه ۶: الْمَرْأَةُ شَرٌّ كَلِّهَا، وَ شَرٌّ مَا فِيهَا أَنَّهُ لَا بُدَّ مِنْهَا. (حکمت ۲۳۸)

تمامی وجود زن (زنان تربیت‌نیافته) شر است و بدترین چیزی که در اوست این که از وجودش چاره‌ای نیست.
 روشن است که منظور امام(ع)، تمام زنان نیستند زیرا زنان برجسته در اسلام فراوان بوده‌اند که پیامبر(ص)، امام و سایر ائمه(ع)
 برای آنها احترام فراوان قائل بودند. گروهی از زنان مورد نکوهش‌اند و گروه دیگری مورد ستایش و از آنجاکه از وجود زن برای
 گمراه کردن مردان در طول تاریخ استفاده ابزاری فراوانی شده، در روایات اسلامی و نهج‌البلاغه به این موضوع هشدار داده شده
 است. این نکته نیز شایان توجه است که بعضی عبارات نهج‌البلاغه که در نکوهش زنان است بعد از داستان جنگ جمل که سردمدار
 آن یکی از همسران پیامبر(ص) بود، وارد شده است ([مکارم شیرازی، ۱۹۹۶](#)، ۱۳: ۸۰۹).

T1: Women (who are not properly raised) are entirely bad and evil. Even worse is that there is nothing that can be done but to live with them.

([Foroutan & Marashi, 2022](#):368)

ترجمه اول: تصریح‌سازی، ترجمه تحت‌اللفظی

مترجم تشخیص داده است که ترجمه تحت‌اللفظی «Women are entirely bad and evil» ناخوشایند خواهد بود و
 به راحتی توسط مخاطب معاصر به‌عنوان یک تعبیر کلی علیه همه زنان سوءتعبیر می‌شود. برای جلوگیری از این امر، وی با افزودن
 توضیحات تکمیلی و در واقع تصریح‌سازی، ترجمه را کمی ملایم‌تر ارائه داده است تا آن را برای مخاطب خوشایندتر یا قابل فهم‌تر
 کند.

قسمت پایانی جمله نیز تحت‌اللفظی و با حفظ بار معنایی متن اصلی ترجمه شده است.

T2: Woman is utterly evil, and the evilest thing about her is that there is no doing without her. ([Qutbuddin, 2024](#): 745)

ترجمه دوم: تحت‌اللفظی

ساختار و معنای متن مبدأ با نزدیک‌ترین شکل ممکن واژه‌به‌واژه منتقل شده و مترجم تلاشی برای حذف بار ناخوشایند معنا
 نداشته است.

۵. بحث و بررسی

این بخش به بررسی و تحلیل آماری راهکارهای به‌کاررفته توسط دو مترجم در ترجمه ۵۶ مورد جمله و عبارت نکوهش‌آمیز
 نهج‌البلاغه می‌پردازد. در پاسخ به سؤال تحقیق که مترجمان در ترجمه عبارات نکوهش‌آمیز از چه راهکارهایی بهره جسته‌اند، داده‌ها
 نشان می‌دهد که براساس تکنیک‌های ارائه‌شده از سوی [وارن \(۱۹۹۲\)](#) برای ترجمه به‌گویانه، مترجمان از بسیاری از راهکارهای
 ارائه‌شده استفاده کرده‌اند که هر یک نشان‌دهنده رویکردی متفاوت در مواجهه با متن است. برخی از تکنیک‌های پیشنهادی [وارن](#)
 (۱۹۹۲) مورد استفاده قرار گرفتند و در برخی از نمونه‌ها نیز مترجمان از «ترجمه تحت‌اللفظی» استفاده کرده و یا در مواردی برای
 رفع ابهامات و تعدیل بار ناخوشایند جملات و عبارات، توضیحاتی به ترجمه افزوده‌اند و به عبارتی «تصریح» صورت گرفته است.
 این مقوله در دسته‌بندی وارن لحاظ نشده است اما در بررسی ترجمه‌ها یافت شد. این روش‌ها را به‌طور کلی می‌توان این‌گونه
 طبقه‌بندی کرد:

راهکارهای مستقیم

۱- ترجمه تحت‌اللفظی: این راهکار با فراوانی ۹ مورد در ترجمه نخست و ۱۰ مورد در ترجمه دوم، پرتکرارترین راهکار مورد استفاده بوده است. این امر نشان‌دهنده تمایل مترجمان به حفظ ساختار و معنای اصلی متن مبدأ می‌باشد.

۲- وام واژه: استفاده از واژه قرضی در ۲ مورد در ترجمه نخست دیده می‌شود و فراوانی آن در ترجمه دوم صفر است.

راهکارهای توضیحی

۱- گسترش معنایی: مترجم نخست با ۲ مورد استفاده از این راهکار، تلاش کرده تا بار معنایی ناخوشایند احتمالی را برطرف سازد. در ترجمه دوم فراوانی این راهکار ۳ مورد بوده است.

۲- تصریح: فراوانی این راهکار در دو ترجمه اول و دوم به ترتیب ۵ و ۶ مورد مشاهده شد؛ مترجم با هدف شفاف‌سازی و وضوح هرچه بیشتر متن، بار معنایی ناخوشایند را تلطیف کرده است.

۳- تخصیص: این راهکار با فراوانی ۱ در هر دو ترجمه یافت شد.

راهکارهای تعدیلی

۱- رد خلف: این راهکار منحصر به ترجمه اول (۵ مورد) است. رد خلف به معنای استفاده از معادل‌های عکس یا متضاد برای تعدیل بار منفی عبارت اصلی می‌باشد. این انتخاب نشان می‌دهد که مترجم اول به دنبال کاهش شدت لحن نه‌چندان خوشایند کلام بوده است.

۲- مبالغه: این راهکار با فراوانی ۱ مورد و فقط در ترجمه نخست مشاهده می‌شود.

۳- استعاره: مترجم نخست و مترجم دوم هر کدام با ۲ مورد استفاده از استعاره، نشان داده‌اند که برای انتقال زیبایی‌های بلاغی متن، از این راهکار می‌توان استفاده کرد و در عین حال بار کلام را به مثبت متمایل ساخت.

۴- کم گفت: این تکنیک به‌گویانه در ترجمه دوم با فراوانی ۳ مورد و در ترجمه نخست با ۱ مورد فراوانی مورد توجه مترجمان قرار گرفته است.

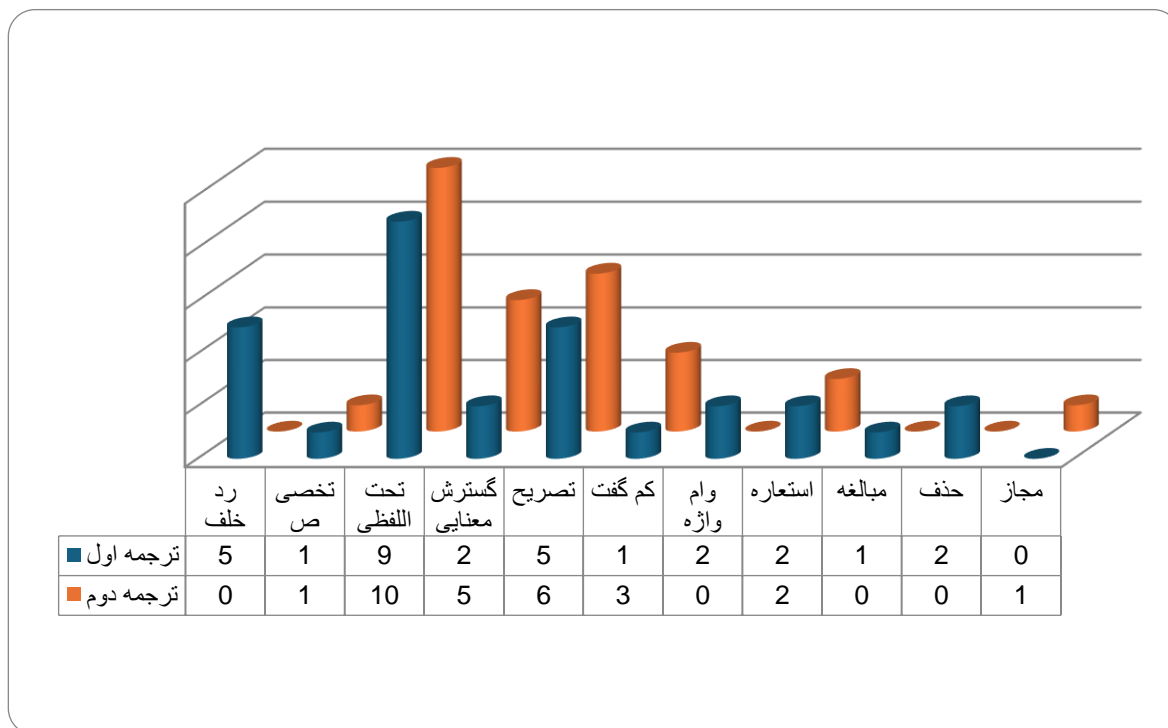
۵- حذف: فقط در ترجمه نخست و در ۲ مورد یافت شد.

تحلیل داده‌ها به وضوح نشان می‌دهد که انتخاب هر راهکار ترجمه‌ای، بر انتقال مفاهیم و معانی عبارات نکوهش‌آمیز تأثیرگذار است و در مواردی که از این تکنیک‌های به‌گویانه استفاده شده است، تغییر در لحن کلام و تلطیف معانی و مفاهیم مشهود است. هدف اصلی راهکارهای تعدیلی (مانند رد خلف، مبالغه و ...) این است که بار معنایی منفی یا توهین‌آمیز عبارت اصلی را به‌طور آگاهانه تغییر دهند یا از بین ببرند، بنابراین از شدت و جدیت گفتار کاسته خواهد شد، اگرچه در تغییر معانی در موارد بررسی‌شده تأثیر چندانی نداشته‌اند. حذف کامل اساساً معنای اصلی را به‌طور کامل از بین می‌برد، اما در موارد مورد بحث در این مجال حذف به قرینه اتفاق افتاده است در نتیجه معنا حفظ شده و صرفاً تأکیدزدایی بر کلمه دارای بار منفی صورت گرفته که خود به «به‌گویی» ترجمه کمک کرده است. به‌طور کلی، این روش‌ها اگرچه به فهم بهتر متن کمک می‌کنند و گره‌گشایی صورت می‌گیرد، اما ممکن است از شدت و قدرت کلام اصلی بکاهد.

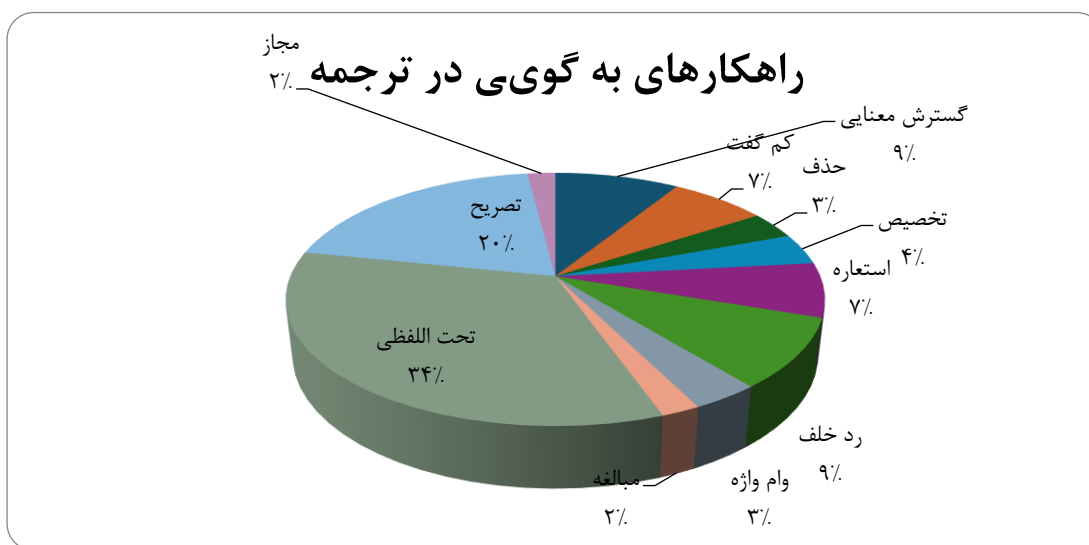
راهکارهای توضیحی (مانند گسترش معنایی و تصریح و ...) نیز ممکن است نوعی تغییر در معنا ایجاد کنند؛ در صورتی که مترجم برداشت خود را به متن بیفزاید و یا از واژگانی استفاده کند که نسبت به متن اصلی، دامنه معنایی بسیار متفاوت‌تری دارد. با این حال، این راهکار در پژوهش مورد بررسی به‌منظور شفاف‌سازی و ارائه زمینه فرهنگی لازم برای درک صحیح مفهوم اصلی صورت گرفته و تغییر معنایی محسوسی مشاهده نمی‌شود. مترجمان سعی داشته‌اند اطلاعاتی را به متن اضافه کنند تا از سوء برداشت مخاطب جلوگیری کرده و در عین حال تا حد ممکن به‌منظور اصلی کلام نیز وفادار بمانند. در این روش، درکی منطقی‌تر از انتقادات ارائه‌شده در نهج البلاغه به مخاطب داده می‌شود.

با اتخاذ راهکارهای مستقیم برای چنین عبارات نکوهش‌آمیز، مترجمان کمترین تغییر را در ترجمه لحاظ کرده‌اند و هدف آنها وفاداری کامل به متن اصلی است، حتی اگر شامل انتقال بار معنایی ناخوشایند باشد. در این موارد، مترجم چالش درک مفاهیم را به عهده مخاطب گذاشته است. لازم به ذکر است که چنین راهکارهایی معمولاً نیازمند آگاهی مخاطب از متن اصلی و روابط بینامتنی موجود است، در غیر این صورت ترجمه ارائه‌شده در جذب آنها موفق نخواهد بود. راهکارهای به‌کاررفته در هر دو ترجمه در شکل‌های زیر آمده است.

شکل ۱. فراوانی راهکارهای اتخاذشده در هر دو ترجمه برای عبارات نکوهش‌آمیز



شکل ۲. درصد فراوانی راهکارهای اتخاذ شده در هر دو ترجمه برای عبارات نکوهش‌آمیز



در پژوهش حاضر استفاده از راهکارهای حسن تعبیر در مقایسه با تحقیقات پیشین در حوزه به‌گویی، از فراوانی بالایی برخوردار نیست و مترجمان مذکور ترجیح داده‌اند عبارات استفاده شده در کلام حضرت امیر را به‌صورت تحت اللفظی ترجمه کنند. اگرچه برای مخاطب در نگاه اول ممکن است با بارمعنایی نکوهش‌آمیز همراه باشد و تنها در برخی موارد که احتمال می‌رود فهم کلام حضرت در خصوص زنان باعث سوءتعبیر مخاطب گردد، برای ابهام‌زدایی توضیحاتی در کنار ترجمه مستقیم عبارات آمده است.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش‌ها در این حوزه نشان می‌دهد که ترجمه عبارات نکوهش‌آمیز نهج‌البلاغه فراتر از یک وظیفه صرفاً زبانی است و به یک تصمیم‌گیری تفسیری تبدیل می‌شود. مترجمان در مواجهه با این متن، صرفاً کلمات را منتقل نمی‌کنند، بلکه ممکن است با انتخاب راهکارهای گوناگون، لحن، بار عاطفی و حتی معنای نهفته در متن را بازآفرینی کنند. این تفاوت‌ها، نه تنها سبک‌های مختلف ترجمه را به نمایش می‌گذارند، بلکه بازتابی از درک و نگاه متفاوت مترجمان نسبت به یکی از عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین متون ادبی و دینی هستند.

با استناد به پژوهش‌های گوناگون در زمینه موضوعات فرهنگی-مذهبی می‌توان گفت که مترجم فقط یک انتقال‌دهنده ساده کلمات نیست، بلکه فردی است که در مرز بین دو فرهنگ ایستاده است. او تصمیم می‌گیرد کدام عناصر فرهنگی از متن اصلی (فرهنگ مبدأ) وارد جامعه مقصد شوند و کدام یک دستخوش تغییراتی گردند. وی، به‌عنوان یک واسطه فرهنگی، متن را فیلتر می‌کند تا مطمئن شود که پیام آن به‌طور مناسب و بدون ایجاد آسیب یا سوءتفاهم در جامعه جدید، منتقل می‌شود. این تغییرات در فرآیند ترجمه شامل موارد زیر است:

حذف یا تعدیل محتوایی که ممکن است با ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی یا مذهبی جامعه مقصد در تضاد باشد. اضافه کردن توضیحات برای مفاهیمی که در فرهنگ مقصد ناشناخته هستند یا ممکن است نیازمند دانستن بستر فکری اشتراکی باشند، بدین ترتیب از سوءبرداشت و چالش‌های ایدئولوژیکی ممانعت به عمل می‌آورد. جایگزینی این موارد با مفاهیم ملموس، انطباق فرهنگی مفاهیم، که شامل جایگزینی مفاهیم موجود در متن مبدأ با نمونه‌های معادل و آشنا در فرهنگ مقصد است. هدف از این اقدام، کاهش ابهام‌زدایی و تسهیل درک محتوا بدون تحریف پیام اصلی است. در یک نگاه جامع‌تر، این فرآیند تنها به انتخاب‌های فردی مترجم محدود نمی‌شود؛ عواملی چون هنجارهای غالب ترجمه در زبان و فرهنگ مقصد، انتظارات مخاطبان اثر ترجمه‌شده و میزان آشنایی آنها با متن مبدأ نیز می‌توانند بر اتخاذ راهکارهای نهایی ترجمه تأثیر بگذارند.

مشارکت نویسندگان

نویسنده مسئول، طراحی پژوهش، گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج، اصلاح و بازبینی نهایی را به عهده داشته است.

اعلامیه هوش مصنوعی مولد و فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در فرایند نگارش نویسنده در فرایند نگارش و آماده‌سازی این مقاله از هیچ‌گونه ابزار هوش مصنوعی یا فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی استفاده نکرده است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسنده این مقاله تعارض منافع ندارد.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این پژوهش با رعایت اصول اخلاق در پژوهش انجام شده است و به دلیل ماهیت پژوهش، نیاز به دریافت کد اخلاق نبوده است.

بیانیه دسترسی به داده‌ها

داده‌های پژوهش حاضر از طریق درخواست از نویسنده قابل دسترسی است.

سپاسگزاری

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

References

- Alahj, A. A. M., & Omer, M. A. A. (2017). Problems of translating Qur'anic euphemisms: A comparative socio-pragmatic study. *American International Journal of Contemporary Research*, 7(4), 104-117.
- Albanon, R.A. (2022). "Translation of Euphemistic Intimate Expressions in the Holy Quran". *Journal of Education College for Women*, 16(30). 5-22.
- Alghizzi, T. M., Elias, T., & Al-Harbi, A. (2023). An analytical study of euphemistic translation strategies: A case study of the Holy Qur'an. *Quarterly Journal of Qur'anic Studies*, Aligarh, 6(1), 1-11.
- Al-Hamad, M., & Salman, A. (2013). The translatability of euphemism in the Holy Quran. *European Scientific Journal*, 9(2), 190-214.
- Allan, K. & Burridge, K. (1991). *Euphemism and Dysphemism: Language Used as Shield and Weapon*. New York: Oxford University Press.
- Al-Sharīf al-Raḍī. (2024). *Nahj al-Balāghah: The wisdom and eloquence of 'Alī: A parallel English-Arabic text* (T. Qutbuddin, Trans. & Ed.). London: Brill.
- Crespo Fernandez, E. (2005). 'Euphemistic Strategies in Politeness and Face'. *Pragmalinguistica*, 13, 77-86.
- Foroutan, B., & Marashi, S. H. (2022). *Nahj al-Balagha A new English Translation*. Beirut: Dar Ehya Turath Arabi Publication.
- Harley, L. B. (2020). *The use of euphemism in English translation of Holy Quran by Saheeh International* [B.A. thesis]. Universitas Islam Negeri Ar-Raniry.
- Merriam-Webster. (n.d.). Ubiquitous. In *Merriam-Webster.com dictionary*.
- Qadoury Abed, A. ., & Ghanim Mohammed, H. (2020). Investigating the Strategies of Translating Euphemism: The Case of Iraqi Students of Translation. *Journal of Education College Wasit University*, 1(38).
- Unseth, P. (2006, February). Watch your language!: Translating euphemisms. *American Translators Association Chronicle*, 35-37.
- Warren, B. (1992). "What Euphemisms Tell Us About the Interpretation of Words". *Studia Linguistica*. 46(2). 128-172.

- The Holy Quran. (1994). (N. Makarem Shirazi, Trans.). Dar al-Qur'an al-Karim (Office of Islamic History and Studies). (Original work published 7th century)
- Nahj al-balagha Al-Radi, M. b. H. (Compiler). (1980). S. Salih, Ed. Dar al-Kitab al-Lubnani.
- Ibn Abi al-Hadid, A. b. H. (n.d.). Sharh Nahj al-balagha [Commentary on Nahj al-balagha]. Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.
- Ahmadi, M. N., & Rezaeian, A. (2022). An analysis of the applications of "euphemism" in the translation of the novel Sawaqi al-Qulub. *Al-Dirasat al-Arabiyya (Arabic Studies)*, 52(104), 163-183. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27898121.2023.52.104.7.1>
- Afrouz, M., Bashiri, A., & Qaraei, Z. (2025). A sociological approach to the manifestation of the translator's gender in Persian translations of the novel *Al-Aswad Yaliqu Biki* [Black Suits You]. *Linguistic Research in Foreign Languages*, 15(1), 33-46. <https://doi.org/10.22059/jflr.2025.380967.1147>
- Badakhshan, E., & Mousavi, S. (2014). A linguistic study of euphemism in Persian. *Language Related Research*, 5(1), 1-6.
- Bandar Riggi, M. (1987). *Farhang-e jadid-e arabi-farsi* [A new Arabic-Persian dictionary] (5th ed.). Islamic Publications.
- Haddadi, M., Najafi Ivaki, A., & Seifi, M. (2021). Investigating the strategies used in the Arabic dubbing of taboos in the *Mokhtarnameh* series. *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 11(24), 217-241. <https://doi.org/10.22054/rctall.2021.61862.1571>
- Dad, S. (2001). *Farhang-e estelahat-e adabi: Vajeh-nameh-ye mafahim va estelahat-e adabi-e farsi va orupayi be sheiveh-ye tatbiqi va touzihi* [Dictionary of literary terms: A comparative and explanatory glossary of Persian and European literary concepts and terms]. Morvarid Publications.
- Zilabi, N., & Mohasses, M. (2018). An extra-religious analysis of disparaging propositions about women in Nahj al-balagha. *Journal of Islamic History and Civilization*, 14(2), 3-32.
- Zand Rahimi, M., & Akhondi, E. (2021). Investigating the effect of translator's gender and ideology on the translation of sayings, sermons, and letters related to women in Nahj al-balagha. *Qur'an & Hadith Translation Studies*, 8(15), 311-339. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24233757.1400.8.15.4.6>
- Salimi, H. (2001). *Arzesh va hoquq-e zanan az didgah-e Ali (A)* [The value and rights of women from the perspective of Imam Ali (A.S.)]. In *Proceedings of the Conference on the Status and Role of Women in the Government of Imam Ali (A.S.)* (pp. 75-92). Allameh Tabataba'i University.
- Shariatmadari, J. (1995). *Sharh va tafsir-e loghat-e Qur'an bar اساس-e tafsir-e nemouneh* [Explanation and interpretation of Quranic vocabulary based on Tafsir-e Nemouneh] (Vol. 2). Astan Quds Razavi.

- Shushtari, M. T. (1997). *Nahj al-balagha* [Translation]. Amir Kabir.
- Arab Yousofabadi, A., & Afzali, F. (2018). An investigation into the euphemism mechanisms in the translation of taboos in the novel *Al-Hawa* by Haifa Bitar. *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 8(19), 57-80. <https://doi.org/10.22054/rctall.2018.32925.1320>
- Makarem Shirazi, N. (1996). *Payam-e Emam: Sharh-e tazeh va jame'i bar Nahj al-balagha* [The message of the Imam: A new and comprehensive commentary on Nahj al-balagha]. Dar al-Kotob al-Islamiyyah.
- Mousavi, S., & Badakhshan, E. (2012). Euphemisms of unpleasant concepts. *Linguistic Research in Foreign Languages*, 2(2), 171-187.
- Mirzaei, F., Rasekh Mahand, M., & Ghasemi Mousavi, E. (2015). The strategy of simplification of cultural taboos in Mar'ashipour's translations of Naguib Mahfouz's novels *Al-Tariq* and *Zuqaq al-Midaqq*. *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 5(13), 1-24.
- Niknam Pirzadeh, A., Asgari, E., & Niknasab, L. (2023). An analysis of the English translation of innuendos in *Nahj al-balagha* (A case study of curses and condemnations). *Qur'an & Hadith Translation Studies*, 10(19), 270-310.
- Hemmati, M. A., & Afzali, F. (2021). Investigating the strategies of verbal aesthetic in the translation of forbidden language in Naguib Mahfouz's novel *Bidaya wa Nihaya* [The Beginning and the End]. *Linguistic Research in Foreign Languages*, 11(4), 682-696. <https://doi.org/10.22059/jflr.2021.323487.836>